# برخی فوائد نقل روایات ضعیف ای موضوع

**شاگرد**: روایتی هم که قطعاً موضوع است، اگر محدوده وضع آن را بدانیم باز احتمال تأیید دارد. مثلاً در آن بره این لغت این معنا را داشته است.

**استاد**: بله، این درست است. من این را می‌گفتم بعد دیدم آقایانی که اصطلاح جدید دارند، برایش تعبیری به رکورد می‌کردند. یعنی دروغ ترین چیزی که قاطع هستیم دروغ است، در اخبار به خودش یک رکوردی اختصاص می‌دهد که پشتوانه اش بسیاری از راست ها است. این مطلب مهمی است. مثالش را هم زدیم؛ مثلاً می‌گویند آیا راست است که معاویه را بالای مناره شغال خورد؟! گفته بودند اولاً معاویه نبود، یوسف سلام الله علیه بود. بالای مناره نبود، درون چاه بود. ثالثاً شغال نبود گرگ بود. رابعاً اصل همه اینها دروغ بود، برادرها آن کار را کردند. در آیه شریفه دارد: «بِدَمٍ كَذِبٍ»[1]؛ دمش هم کذب بود.

خب الآن ببینید؛ همین یک رکورد به خودش دروغ را اختصاص می‌دهد اما از دلش قضیه حضرت یوسف، چاه و ... در آمد. همه اینها چیزهای درستی است. ولی خب فرمایش ایشان درست است؛ دروغ هایی که به خودش رکورد اختصاص داده را حرفی ندارم، ولی اگر فرمایش آقا مطلق باشد ذهن من همراهی نمی‌کند. ببینید ما دروغ هایی داریم که هنوز در فضای محاورات بشریه به خودش رکوردی اختصاص نداده است. آن جا عقلائی نیست. آن جا «الباطل یموت بترک ذکره» است. مصداق دارد، مصداق خیلی خوبی. اینجا نباید ما کمک کنیم تا یک دروغ جا بگیرد. مگر موارد خاصه ای که شما بفهمید از این دروغ می‌توانید برای راست های دیگر تأیید بیاورید.

**شاگرد**: لفظی مثل غنا را می‌دانیم در روایتی  که وضع شده ولی معنای آن را نمی‌دانیم. از این روایت می‌توانیم برای تعیین معنای غنا استفاده کنیم؟ با اینکه علم داریم این روایت موضوع است.

**استاد**: یعنی می‌دانیم در ذهنیت کسانی که از این واضع، روایات را تلقی می‌کردند، مفاهمه صورت می‌گرفته است. این مانعی ندارد. من شواهدی هم دارم یعنی روشن می‌کند که این لغت در آن فضا این معنا را داشته است. در این کسی تردید نمی‌کند. شاهد فرمایش شما، چند مورد را در مباحثه آورده‌ام. چون دیدم من اینها را می‌گویم ، بعد می‌گویند: چه دلیل هایی می‌آورند! من که اصلاً نمی‌خواهم به‌عنوان دلیل بیاورم. در بحث قرائات من جزیره خضراء را مکرر عرض کرده‌م. می‌گویند جزیره خضراء یک حدیث دروغ کذا است. درحالی‌که ما فرض می‌گیریم کل جزیره خضراء دروغ است، ولی خلاصه علامه مجلسی می‌گویند این در خزانه امیرالمؤمنین بوده است. وقتی وضع و جعل و دروغ گفتنش حدود قرن ششم و هفتم است. خب وقتی در این فضا دروغ گو می‌آید و در خزانه امیرالمؤمنین ثبت می‌شود و مرحوم نوری آن را ترجمه می‌کنند، این دروغ می‌گوید تمام این قرائات همه به امیرالمؤمنین بر می‌گردد. خب باید دروغی جعل کند که در آن فضا ذهنیتها را از او بپذیرند؟! ببینید ما نمی‌خواهیم بگوییم راست است. می‌خواهیم بگوییم این فضا بود؛ قبل از قرن یازدهم فضا این بود. جاعل

جزیره خضراء از او می‌آمد که این را بگوید. همچنین فقه الرضا و تفسیر منسوب به امام حسن عسکری سلام الله علیه. چرا این احادیث را آوردیم؟ این‌ها که دلیل نیست، اما این را می رساند که چه کسی حاضر است بگوید فقه الرضا برای سنی ها است؟! هیچ کسی حاضر نیست. خب برای چه کسی است؟ باید سر جایش مفصل بحث بشود. ولی در فقه الرضا این هست که در آن زمان این توان بوده که دو قرائت را مطرح بکند و هر دو را هم تصحیح کند. بعد شما بگویید احتمالاً اینکه جناب حسین بن روح گفته سه جای آن را قبول ندارم، یکی اینجا است! مانعی ندارد، درعین‌حال هم تصریح نیست. ولی خب ایشان به‌صورت مبهم فرموده است. تفسیر الامام هم همینطور است. تفسیر الامام علیه‌السلام مستند به کیست؟ انواع مطالبی است که بحث کرده‌اند. حتی اگر قاطع بشویم که فقه الرضا موضوع است، قاطع بشویم که تفسیر الامام موضوع است، درعین‌حال بعد از قطع، می‌بینیم فضای آن زمان فضایی بود که واضع و جاعل به این صورت بوده است. آن هم فضای شیعه، نه فضای اهل‌سنت. چون می‌خواست برای شیعیان وضع کند. واضع می‌دید در فضایی که می‌خواست برای آن‌ها وضع کند، ابا نداشتن که بگویند «کل القرائتین حق؛ غُلف و غُلُف». ابائی از این ندارد که بگوید «ارجلکم/ ارجلَکم». هر دو آن‌ها کلام خدا است. حکم خدا است. همچنین روایت اشعثیات که عرض کردم. این روایت هم همینطور است. جالب است؛ عنوان اشعثیات چه بود؟ «باب غَسل الرجلین»؛ یک باب به‌عنوان غسل آورده بودند. صحبت در تأیید این‌ها نیست. صحبت در این است که اگر قاطع به وضع هم باشیم ولی ذهنیت را می‌گوید. تا این اندازه قبول است. اما ما نباید در کوبیدن میخ یک دروغ کمک کنیم. این حرام است. این غیرعقلائی است. اما از مواردی‌که به خودش رکوردی ثبت داده، می‌توانیم کامل استفاده را بکنیم؛ تاریخیت آن و غیر آن را در استفاده‌های مختلف علمی به کار بگیریم.

**شاگرد**: آن هم مربوط به جهات صدقش هست. آن‌ها کذب نیست.

**استاد**: احسنت. یک کاشفیت صدق دارند. یعنی الآن این دروغ کاشف کلام از مدلول نیست، بلکه کاشف کلام از زمینه است. الآن زبان شناس ها بافت می‌گویند؛ «Context». آن بافت و زمینه‌ای که این کلام دروغ در آن محاوره شده، کاشف بسیار مهمی در فرهنگ آن‌ها و لغات آن‌ها و معانی ای که بین آن‌ها در و بدل می شده.

شاگرد: رکورد یعنی پیوند با این بافت؟

**استاد**: نه، در زمان ما خیلی از اصطلاحات برنامه‌نویسی استفاده می‌شود. بانک اطلاعات غیر از صرف جدول است. در بانک‌های اطلاعاتی که می‌خواهند اطلاعات را ثبت کنند، اول یک ستون‌هایی برای نظم دهی و مدیریت داده‌ها درست می‌کنند. بعد از این‌که یک جدول با پنج ستون درست کردند، بعد داده‌های شخصی را وارد می‌کنند. هر داده‌ای یک ردیف می‌شود. به هر ردیف رکورد می‌گویند. من که فرمایش آقا را دیدم ذهنم به اینجا آمد. الآن با اصطلاحات امروزی رکورد می‌گویند. مثلاً چرا می‌گویید رکوردر ثبت می‌کند؟ ضبط صوت، ضبط می‌کند و ثبت می‌کند. رکورد یعنی به‌عنوان یک داده در یک جدول دارای فیلدهای کلی ثبت می‌شود. مثلاً آلآن که به درب خانه می‌آیند و آمارگیری می‌کنند ای شرکت برق و گاز می‌آید، در موبایلش یک جدول دارد. جدول او فیلدها و ستون‌هایی دارد؛ مثلاً تاریخ ثبت، ثبت قبلی، ثبت بعدی، شماره کنتور و ... . هر کدام از این‌ها در یک فیلدی ثبت می‌شود. ولی خانه شما یک رکورد می‌شود. ستون و ردیف می‌گویند؛ در جدول بانک اطلاعات، در ستون‌ها کلیات و انواع چیزهایی است که باید ثبت کنید -انواع داده اصطلاحی من، انواع چیزهایی که شما در این جدول ثبت می‌کنید- و رکوردش شخص آن داده‌ای است که به آن جدول می‌آید و خودش را به‌عنوان یک داده ثبت می‌کند. هر دروغی باشد، برای خودش دروغ است ولی یک رکورد داخلش هست. یعنی در جدول بانک اطلاعاتی شما یک شماره‌ای را به خودش اختصاص می‌دهد و به این فیلدها مقدار ده می‌کند. حال برخی از فیلدها خالی است و برخی از آن‌ها پر است. چون این اصطلاح در ذهنم بود، وقتی بعضی از اساتید دیدم ذهنم فوری سراغ این رفت. چون ناظر به اطلاعات امروز است. امروز روش کتابخانه‌ای می‌گویند. ظاهراً چون ایشان مطلع بر این‌ها بودند می‌گفتند. الآن ثبت های

کتابخانه‌ای هم به این صورت است. عمده کتابخانه‌ها، رشدشان و پیشرفتشان و بلکه کمک آن‌ها به پیشرفت برنامه‌نویسی و ثبت اطلاعات، همین نظم کتابخانه‌ها است.

**شاگرد:** دیوبندی می‌گویند.

**استاد**: خود شناسه همین است. البته شناسه در بانک اطلاعات تنها یکی است. ID که می‌گویند همین است. یعنی وقتی شما یک جدول درست می‌کنید، اگر جدول خیلی دقیق و تامی باشد یکی فیلد آن، ID است. این فیلد ID یعنی برای رکوردها شناسه ای می‌گذارید، شماره منحصر به فرد. ولذا نمی‌توانید یک چیز را دوبار تکرار کنید. ID و شناسه در بانک اطلاعات اصطلاح خاص خودش را دارد. صرفاً رکورد یکی از فیلدها است که یک عدد منحصر به فرد را به هر رکوردی نسبت می‌دهیم تا این رکورد دیگر نتواند تکرار بشود.

**شاگرد**: کتابخانه‌ای را در مقابل توصیفی و تحلیلی می‌فرمایید؟ مثلاً در پایان نامه ها می‌گویند روش تحقیق کتابخانه‌ای و ....

**استاد**: شاید این باشد. چون من خیلی با این‌ها مانوس نبودم ولی برخورد کرده‌ام.

---

[1] وی‌سف۱۸

---

بازبینی #2
ایجاد شده 19 ژانویه 2026 14:05:02 توسط ... .
به روزرسانی شده 19 ژانویه 2026 14:10:40 توسط ... .